

شصت چهره
از میان قاجاریان و معاصران

عبدالحسین آذرنگ

ستاره

تهران ۱۳۹۹

فهرست

یازده
سیزده

یادداشت ناشر
یادداشت نویسنده

فهرست الفبایی

فهرست سنوی

بخش یکم: قاجاریان

۴۰۱	آدمیت، فریدون	۳	۱. میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (۱۱۹۳-۱۲۵۱ق)
۲۱۳	ارسنجان، حسن	۱۱	۲. میرزا حبیب اصفهانی (۱۲۵۱-۱۳۱۱ق)
۴۱۱	افشار، ایرج	۲۹	۳. شیخ احمد روحی (۱۲۶۳-۱۳۱۴ق)
۳۷۱	امامی، کریم	۳۹	۴. محمدحسین فروغی (۱۲۵۵-۱۳۲۵ق)
۲۹۹	امینی، علی	۴۵	۵. حاج سیاح (۱۲۵۲ق-۱۳۰۴ش)

بخش دوم: قاجاری - معاصران

۹۳	امینی، فخرالدوله	۵۷	۶. محمدعلی فروغی (۱۲۵۴-۱۳۲۱ش) ^۱
۳۱۹	بازرگان، مهندس مهدی	۶۵	۷. سپهبد حاجعلی رزم آرا (۱۲۸۰-۱۳۲۹)
۲۲۳	بختیار، سپهبد تیمور	۷۵	۸. حسن وثوق (۱۲۵۲-۱۳۲۹)
۳۷۵	به آذین، م. الف.	۸۳	۹. غلامرضا رشید یاسمی (۱۲۷۳-۱۳۳۰)
۴۲۱	بهمن بیگی، محمد	۹۳	۱۰. فخرالدوله امینی (۱۲۶۲-۱۳۳۴)

۱. تاریخها از اینجا تا پایان فهرست شمسی است.

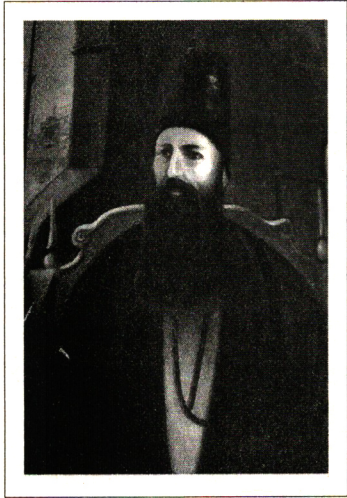
هشت شصت چهره از میان قاجاریان و معاصران

۳۵۵	بیرشک، احمد	۹۹	۱۱. امینه پاکروان (۱۲۷۰-۱۳۳۷)
۹۹	پاکروان، امینه	۱۰۳	۱۲. ابراهیم حکیمی (۱۲۴۹-۱۳۳۸)
۲۴۷	پاکروان، سرلشکر حسن	۱۰۷	۱۳. صدیقه دولت‌آبادی (۱۲۶۱-۱۳۴۰)
۳۸۷	پیرنظر، هوشنگ	۱۱۱	۱۴. سید محسن صدر (۱۲۵۰-۱۳۴۱)
۲۰۳	تختی، غلامرضا	۱۱۹	۱۵. سید حسن تقی‌زاده (۱۲۵۷-۱۳۴۸)
۱۶۷	تربیت، هاجر	۱۴۳	۱۶. محمود جم (۱۲۶۴-۱۳۴۸)
۱۷۱	ترقی، لطف‌الله	۱۴۷	۱۷. سلیمان حمیم (۱۲۶۶-۱۳۴۸)
۱۱۹	تقی‌زاده، سید حسن	۱۵۳	۱۸. عباس خلیلی (۱۲۷۴-۱۳۵۰)
۲۴۱	جَزَنی، بیژن	۱۵۷	۱۹. صادق رضازاده شفق (۱۲۷۱-۱۳۵۰)
۳۸۳	جعفری، شعبان	۱۶۷	۲۰. هاجر تربیت (۱۲۸۴-۱۳۵۲)
۴۲۷	جعفری، عبدالرحیم	۱۷۱	۲۱. لطف‌الله ترقی (۱۲۸۲-۱۳۵۲)
۳۹۱	جم، ارتشبد فریدون	۱۷۵	۲۲. علی اصغر حکمت (۱۲۷۲-۱۳۵۹)
۱۴۳	جم، محمود	۱۸۵	۲۳. علی دشتی (۱۲۷۳-۱۳۶۰)

بخش سوم: معاصران

۴۵	حاج سیاح	۱۹۹	۲۴. احمد دهقان (۱۲۹۰-۱۳۲۹)
۳۱۵	حالت، ابوالقاسم	۲۰۳	۲۵. غلامرضا تختی (۱۳۰۹-۱۳۴۶)
۱۱	حبیب اصفهانی، میرزا	۲۰۹	۲۶. ارتشبد عبدالحسین حجازی (۱۲۸۳-۱۳۴۸)
۴۷۷	حبیب‌اللهی، دریاسالار کمال‌الدین	۲۱۳	۲۷. حسن ارسنجان‌ی (۱۳۰۱-۱۳۴۸)
۲۰۹	حجازی، ارتشبد عبدالحسین	۲۲۳	۲۸. سپهبد تیمور بختیار (۱۲۹۳-۱۳۴۹)
۳۶۱	حدیدی، محمدجواد	۲۳۱	۲۹. محمدعلی خُنجی (۱۳۰۴-۱۳۵۰)
۲۷۳	حسیبی، مهندس کاظم	۲۳۵	۳۰. ارتشبد محمد خاتم (۱۲۹۷-۱۳۵۴)
۱۷۵	حکمت، علی اصغر	۲۴۱	۳۱. بیژن جَزَنی (۱۳۱۶-۱۳۵۴)
۱۰۳	حکیمی، ابراهیم	۲۴۷	۳۲. سرلشکر حسن پاکروان (۱۲۹۷-۱۳۵۷)
۱۴۷	حمیم، سلیمان	۲۵۵	۳۳. غلامحسین مُصاحب (۱۲۸۹-۱۳۵۸)
۲۳۵	خاتم، ارتشبد محمد	۲۶۷	۳۴. سرلشکر محمد دفتری (۱۲۸۴-۱۳۶۲)
۱۵۳	خلیلی، عباس	۲۷۳	۳۵. مهندس کاظم حسیبی (۱۲۸۵-۱۳۶۹)
۲۳۱	خُنجی، محمدعلی	۲۷۷	۳۶. پرویز ناتل خانلری (۱۲۹۲-۱۳۶۹)
۳۵۱	داریوش، پرویز	۲۹۹	۳۷. علی امینی (۱۲۸۴-۱۳۷۱)

۳۳۱	دانش پژوه، محمدتقی	۳۱۵	۳۸. ابوالقاسم حالت (۱۲۹۸-۱۳۷۱)
۳۶۵	درخشش، محمد	۳۱۹	۳۹. مهندس مهدی بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳)
۱۸۵	دشتی، علی	۳۳۱	۴۰. محمدتقی دانش پژوه (۱۲۹۰-۱۳۷۵)
۲۶۷	دفتری، سرلشکر محمد	۳۳۹	۴۱. غلامعلی رعدی آذرخشی (۱۲۸۸-۱۳۷۸)
۱۰۷	دولت آبادی، صدیقه	۳۵۱	۴۲. پرویز داریوش (۱۳۰۱-۱۳۷۹)
۳۹۷	دولت‌شاهی، مهرانگیز	۳۵۵	۴۳. احمد بیرشک (۱۲۸۵-۱۳۸۱)
۱۹۹	دهقان، احمد	۳۶۱	۴۴. محمدجواد حدیدی (۱۳۱۱-۱۳۸۱)
۶۵	رزم‌آرا، سپهبد حاجعلی	۳۶۵	۴۵. محمد درخشش (۱۲۹۴-۱۳۸۴)
۸۳	رشید یاسمی، غلامرضا	۳۷۱	۴۶. کریم امامی (۱۳۰۹-۱۳۸۴)
۱۵۷	رضازاده شفق، صادق	۳۷۵	۴۷. م. الف. به‌آذین (۱۲۹۳-۱۳۸۵)
۳۳۹	رعدی آذرخشی، غلامعلی	۳۸۳	۴۸. شعبان جعفری (۱۳۰۰-۱۳۸۵)
۲۹	روحی، شیخ احمد	۳۸۷	۴۹. هوشنگ پیرنظر (۱۳۰۳-۱۳۸۶)
۴۶۱	ستوده، منوچهر	۳۹۱	۵۰. ارتشبد فریدون جم (۱۲۹۳-۱۳۸۷)
۱۱۱	صدر، سید محسن	۳۹۷	۵۱. مهرانگیز دولت‌شاهی (۱۲۹۸-۱۳۸۷)
۳۹	فروغی، محمدحسین	۴۰۱	۵۲. فریدون آدمیت (۱۲۹۹-۱۳۸۷)
۵۷	فروغی، محمدعلی	۴۱۱	۵۳. ایرج افشار (۱۳۰۴-۱۳۸۹)
۳	قائم‌مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم	۴۲۱	۵۴. محمد بهمن بیگی (۱۲۹۹-۱۳۸۹)
۲۵۵	مُصاحب، غلامحسین	۴۲۷	۵۵. عبدالرحیم جعفری (۱۲۹۸-۱۳۹۴)
۲۷۷	ناتل خانلری، پرویز	۴۳۷	۵۶. ابوالحسن نجفی (۱۳۰۸-۱۳۹۴)
۴۵۳	ناطق، هما	۴۵۳	۵۷. هما ناطق (۱۳۱۳-۱۳۹۴)
۴۳۷	نجفی، ابوالحسن	۴۶۱	۵۸. منوچهر ستوده (۱۲۹۲-۱۳۹۵)
۷۵	وثوق، حسن	۴۷۷	۵۹. دریاسالار کمال‌الدین حبیب‌اللهی (۱۳۰۸-۱۳۹۵)
۴۸۳	یارشاطر، احسان	۴۸۳	۶۰. احسان یارشاطر (۱۲۹۹-۱۳۹۷)



۱

میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی

۱۱۹۳-۱۲۵۱ ق

صدراعظم قاجار، از سیاستمداران اصلاح طلب، ادیب، شاعر و از تأثیرگذاران بر تحول نثر جدید فارسی. قتل او و قتل صدراعظم خلیف، میرزاتقی خان امیرکبیر، از شنیع ترین قتل های سیاسی در تاریخ ایران است

۱ زندگی و فعالیت ها

قائم مقام، نیز معروف به قائم مقام دوم / ثانی، اجدادش در خدمت خاندان های حکومتگر صفوی و زند بودند. پدرش میرزا عیسی، ملقب به میرزا بزرگ، قائم مقام اول، از دیوانیان امین، دقیق و کاردان، اهل فضل و دانش و ادب بود و نخست در دوره زندیه به خدمات دیوانی اشتغال داشت. در دوره قاجار که ابراهیم خان اعتمادالدوله صدراعظم شد، او را به قائم مقامی خود برگزید (اعتمادالسلطنه: ۱۴۵). میرزا بزرگ در مقام مربی عباس میرزا نایب السلطنه، ترویجگر دانش و صنعت اروپایی

(نورایی: ۴۰۹) و بعداً با خدمات اصلاح طلبانه اش در مسند پیشکاری و وزارت عباس میرزا، به سیاستمداری تأثیرگذار در شتون مختلف تبدیل شد (قائم مقامی، ۱۳۲۰: ۵ - ۶).

ابوالقاسم قائم مقام و دو پسر دیگر، ثمره ازدواج میرزا بزرگ با دختر میرزا محمد حسین وزیر، از رجال قاجاری، بودند. به روایت قائم مقام در نامه ای به وقایع نگار، خود او در فراهان به دنیا آمده است (قائم مقام، منشآت ... : ۷۵). درباره روزگار کودکی و نوجوانی اش اطلاع مکتوبی در دست نیست، و تاجایی که از منابع و روایات برمی آید، اینکه به مکتب رفت، زیر نظر پدرش تربیت یافت و با زبان و ادب فارسی و عربی، فنون نگارش به فارسی و عربی، خوشنویسی، حساب سیاق، منطق، معانی و بیان، حکمت و عرفان، علم کلام، تفسیر و اخلاق آشنا شد (دولت آبادی: بیست و سه - بیست و چهار). در جوانی چندسالی در بازار تهران به کار و کسب مشغول بود و از این راه گذران می کرد. در ۱۲۲۶ ق، که برادرش میرزا حسن درگذشت، پدرش او را به تبریز فراخواند و سمت دیوانی برادر را به او سپرد. قائم مقام در این منصب لیاقت و استعداد چشمگیری از خود نشان داد و میرزای بزرگ که به تسلط او پی برد، خود از کار کناره گرفت و همه وظایفش را به این فرزند واگذار کرد. قائم مقام از این طریق به عباس میرزا نایب السلطنه نزدیک شد. او هم که توان قائم مقام را در اداره امور دید، اوقاتش را بیشتر به مسائل نظامی اختصاص داد و اداره کلی امور آذربایجان را، که از وظایف نایب السلطنه بود، به او سپرد (اعتماد السلطنه: ۱۴۵؛ دولت آبادی: همانجا).

ژنرال گاردان فرانسوی، فرستاده ناپلئون به دربار فتحعلی شاه، که قائم مقام را در ۲۴ سالگی دیده، او را جوانی آراسته به فضیلت و هنر وصف کرده و در نامه ای به وزیر خارجه فرانسه، نوشته است: «شکی ندارم که او [قائم مقام] روزی به مقام یکی از رجال معتبر ارتقا خواهد یافت». در ضمن به تهمت های ناروا به وی از سوی بعضی صاحبان مقام هم اشاره کرده است (گاردان: ۱۷۷ - ۱۷۸). نمایندگان خارجی که در آن زمان در ایران بودند، قصد نفوذ در دولت داشتند و از مأموران دولتی هر که را می توانستند اجیر می کردند. آن ها با قائم مقام میانه خوبی نداشتند و از گزارش های نامساعدشان برمی آید که او را نفوذناپذیر یافته بودند (از جمله ← فریزر: ۱۳۴ و صفحات دیگر؛ نوائی: ۳۳۵ - ۳۳۰/۲؛ نیز برای دیدگاه جان کمپبل، وزیر مختار انگلیس، درباره قائم مقام و نیز نظر عمومی درباره او ← آدمیت: ۱۱ به بعد).

قائم مقام در ۱۲۲۶ ق به وزارت عباس میرزا منصوب شد و سال بعد، که پدرش میرزا بزرگ درگذشت، به دستور فتحعلی شاه لقب و امتیازات پدر را به ارث برد (قائم مقامی، عبدالوهاب: ۱۱). آموزش جدیدی که قشون عباس میرزا دیده بود، همراه با کفایت، کاردانی و حسن تدبیر قائم مقام، سبب پیروزی ایران در جنگ با عثمانی در ۱۲۳۷ ق شد. قائم مقام در پی این پیروزی فتح نامه جنگ را در قالب قصیده ای سرود و به دربار فتحعلی شاه فرستاد (دولت آبادی: بیست و چهار).

میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی ۵

مناسبات میان عباس میرزا و قائم مقام نزدیک بود. قائم مقام وزارت او را به عهده داشت، فرمان‌ها و احکام و نامه‌های خصوصی او را می‌نوشت، خواهر او را به همسری برگزیده بود، پیشکار کل ولایت آذربایجان، گرداننده امور قشون، و ۱۴ سال در سفر و حضر ملازم وی بود (عبدالرزاق دُنبلی: ۴۸؛ زریاب‌خویی: ۱۴۵۱)، اما به‌رغم این پیوندها، در شماری از منابع آمده‌است که آن دو اگرچه در راه اصلاحات مملکت همکار و همراه بودند، اختلاف نظر هم داشتند و گاه این اختلاف شدت هم می‌گرفت. فریزر می‌گوید: «... مناقشات مکرر بود ... بستگی دوجانبه ایشان حکم می‌کرد که در مقام اصلاح برآیند و همچنان مانند سگ و گربه برای هم خرناس بکشند و به هم فیف کنند ...».

فریزر در عین حال به نقل از شاهدی می‌گوید که شاهزاده بدون اجازه قائم مقام آب نمی‌خورد (همو: ۱۳۴؛ نیز ← دولت‌آبادی: بیست‌وپنج؛ ناطق: ۵۴). در شماری از منابع آمده‌است که عباس میرزا به مناسبت پیام ناخوشایندی از سوی فتحعلی‌شاه، قائم مقام را در این پیام دخیل دانسته و با مشت به سر او کوبیده‌است (اعتمادالسلطنه: ۱۲۵)، رویدادی که نشان‌دهنده تنش گاه‌به‌گاه روابط میان آن دو بود.

فتحعلی شاه در خلال برخوردهای نظامی میان ایران و روس، به آذربایجان سفر و سران قشون و عشایر را به مجلسی احضار کرد و نظر آن‌ها را درباره جنگ با روس جویا شد. حضار، یا از سر جهالت و بی‌خبری، یا از باب خودنمایی و تقرب و تملق، رأی به جنگ دادند، جز قائم مقام که در آن مجلس سکوت کرده بود. شاه متوجه سکوت او شد و نظرش را پرسید. قائم مقام گفت: دولتی که عایدات مالیاتیش ۶ کرور است، با دولتی که ۶۰۰ کرور عایدات مالیاتی دارد، از در جنگ در نمی‌آید. این نظر خلاف میل شاه و خلاف نظر حضار بود. قائم مقام پس از آن مجلس به دوستی با روسیه متهم و از همه مناصبش معزول شد. چون آذربایجان وارد جنگ می‌شد، حضور او را در آن ولایت مناسب ندانستند و به ولایت خراسان تبعیدش کردند. جنگ هم در گرفت، قشون ایران به طرزی فضیحت‌بار شکست خورد، ارتش روس وارد خاک ایران شد، تبریز را گرفت و تا ترکمانچای، از توابع میانه، پیشروی کرد. عباس میرزا و همراهانش هم گریختند. شاه در اینجا به خطای خود پی برد و فرخ‌خان، پیشخدمت مخصوصش را برای استمالت به خراسان نزد قائم مقام فرستاد و او را به دربار فراخواند. در تهران پس از دلجویی از و مشورت با او، وکالت نامه‌ای با اختیارات تام برای انعقاد قرارداد صلح با روس به نام عباس میرزا تنظیم و به دست وی سپرد و روانه آذربایجان کرد. مذاکرات با روس‌ها با حضور فعالانه قائم مقام به انعقاد معاهده ترکمانچای در ۱۲۴۳ ق و تعیین شدن رود ارس به عنوان خط مرزی انجامید. این معاهده به خط قائم مقام است (اعتمادالسلطنه: ۱۲۰-۱۲۱؛ دولت‌آبادی: بیست‌وشش - بیست‌وهفت).